



پیش‌بینی مشکلات خواندن کودکان فارسی زبان بر اساس مدل مؤلفه‌ای: نقش ابعاد شناختی، روان‌شناختی و بوم‌شناختی

چکیده

به دلیل ویژگی‌های خاص زبان فارسی، یادگیری خواندن مطالب فارسی با چالش‌هایی روبه‌رو است، به همین دلیل، بررسی عوامل مرتبط با آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بر این اساس، هدف این مطالعه بررسی نقش مؤلفه‌های شناختی (هوش، زبان شفاهی، ادراک دیداری، آگاهی واج‌شناختی، حافظه واج‌شناختی، مفاهیم چاپی، دانش الفبایی، نامیدن سریع خودکار، نوشتن نام)، روان‌شناختی (علاقه به خواندن و جنسیت) و بوم‌شناختی (وضعیت اجتماعی-اقتصادی، محیط سوادآموزی خانه، باور والدین در مورد خواندن) بر خواندن بود. جامعه هدف این مطالعه کلیه کودکان ۶ تا ۷ ساله شهر تهران بود که از میان آن‌ها به روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای ۱۰۵ کودک انتخاب شد. این مطالعه در دو مرحله انجام شد. در مرحله اول که در ابتدای سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ صورت پذیرفت، متغیرهای پیش‌بین (مؤلفه‌های شناختی، روان‌شناختی و بوم‌شناختی) و در مرحله دوم که در انتهای سال تحصیلی بود، متغیر خواندن اندازه‌گیری شد. داده‌ها از طریق روش‌های همبستگی گشتاوری پیرسون، رگرسیون چندگانه، تحلیل واریانس به دو شیوه تفاوت بین گروه‌ها و تحلیل روند، تحلیل شد. نتایج به دست آمده در این مطالعه حاکی از این بود که در مؤلفه شناختی، زبان، هوش، مفاهیم چاپی، حافظه واج‌شناختی و نامیدن سریع خودکار از جمله متغیرهای مهم در پیش‌بینی خواندن بودند چرا که در فرایند خواندن همه این عوامل درگیر هستند. در مؤلفه روان‌شناختی، هیچ‌کدام پیش‌بین خواندن نبودند و در مؤلفه بوم‌شناختی تنها تحصیلات والدین به عنوان ملاکی برای وضعیت اجتماعی می‌تواند تبیین‌کننده خواندن باشد. با توجه به سهم متغیرهای پیش‌بین می‌توان بیان کرد که مؤلفه شناختی بیش از مؤلفه‌های بوم‌شناختی و روان‌شناختی تأثیرگذار بوده‌اند.

کلیدواژه: هوش، مهارت‌های سواد اولیه، وضعیت اجتماعی-اقتصادی، محیط سوادآموزی خانه، علاقه به خواندن.

